

بررسی مدل علی خردمندی: تبیین اثر شخصیت و خودکارآمدی مقابله

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹

رقبه قربانی^{*۱}

فرهاد خرمائی^۲

چکیده

هدف: هدف این پژوهش تبیین خردمندی بر اساس عوامل شخصیتی با واسطه‌گری خودکارآمدی مقابله است.

روش: روش پژوهش از نوع همبستگی با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری است و جامعه آماری کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه شیراز بودند که تعداد ۴۰۰ دانشجوی کارشناسی (۲۶۱ زن، ۱۳۹ مرد) با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و مقیاس خودسنجی خردمندی (ویستر، ۲۰۰۳)، فرم کوتاه پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت (گلدبرگ، ۱۹۹۹) و خودکارآمدی مقابله (چسنی و همکاران، ۲۰۰۶) را تکمیل نمودند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که از بین ابعاد شخصیتی، برون‌گرایی و توافق‌پذیری به ترتیب به‌طور مستقیم ($\beta = 0/16$ ، $\beta = 0/22$ و $p = 0/001$)، همچنین برون‌گرایی همراه با گشودگی به تجربه، وظیفه‌گرایی، روان‌نژندگرایی و به ترتیب به‌صورت غیر مستقیم ($\beta = 0/11$ ، $\beta = 0/04$ ، $\beta = 0/14$ ، $\beta = -0/25$ و $p = 0/001$) با واسطه‌گری خودکارآمدی مقابله قادر به پیش‌بینی خردمندی شدند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود با توجه به این‌که عوامل شخصیتی دارای ثبات نسبی هستند و خودکارآمدی مقابله قابل آموزش است؛ با تأکید بر آموزش خودکارآمدی مقابله و بستر سازی محیط و طراحی بسته‌های آموزشی طوری برنامه‌ریزی شود که افراد با ویژگی‌های شخصیتی گوناگون بتوانند با تقویت خودکارآمدی مقابله در مسیر شکوفایی خردمندی گام بردارند.

کلیدواژه‌ها: خردمندی، خودکارآمدی مقابله، پنج عامل بزرگ شخصیت

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

* نویسنده مسئول: Ghorbani_r1384@yahoo.com

۲. دانشیار بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

The Examining Causal Model of Wisdom: Explaining Effect of Personality and Coping Self- Efficacy

Roghayeh Ghorbani^{1*}
Farhad khormaei²

Abstract

Aim: The purpose of this study was to investigate wisdom based on the big five personalities through the mediating role of coping self-efficacy.

Method: the sample consisted of 400 (261 women, 139 men) students from Shiraz University which were chosen via random cluster sampling method. They completed the Self-Assessed Wisdom Scale, Big five personality and Coping Self-Efficacy Scale. The structural equation modeling approach was used.

Results: The results indicated that the data were fitted with the model. There were direct effects of the big five personalities (extraversion $\beta=0/16$ and agreeableness $\beta=0/22$, $P=0/001$) on wisdom. Also, there were indirect effect big five personalities (extraversion $\beta=0/11$, openness to experience $\beta=0/04$, conscientiousness $\beta=0/14$, and neuroticism $\beta= -0/25$, $P=0/001$) on wisdom by the mediating role of coping self-efficacy.

Conclusion: The findings suggested that big five personalities enhance wisdom directly and indirectly. Thus, training coping self-efficacy, setting the appropriate environments and designing of educational packages can help all the people with a different personality to be cable of being wise.

Keywords: Big Five Personality, Coping Self- Efficacy, and Wisdom

1 . PhD Educational Psychology, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

*Corresponding author: Ghorbani_r1384@yahoo.com

2 . Associate Professor Department of Educational Psychology, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

مقدمه

پژوهشگران امروزی اذعان دارند که هوش به‌تنهایی قادر به حل مسائل پیچیده امروزی نیست (استرنبرگ و اسپیکولیشنز^۱، ۲۰۱۸) و خردمندی^۲ از جمله سازه‌های جدیدشناختی است که در سال‌های اخیر ذهن پژوهشگران زیادی را به خود مشغول ساخته است. به‌گونه‌ای که در دو دهه گذشته این مفهوم مورد توجه زیادی قرار گرفته و حجم بسیاری از تحقیقات پژوهشگران را به خود اختصاص داده است (آردلت^۳، ۲۰۰۵). جمع‌آوری تحقیقات انجام شده در زمینه خردمندی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ بیانگر افزایش چشمگیر پژوهش‌ها در این زمینه است (گلوگ، کونینگ، ناشنونینگ، ردزانوسکی، دورنر و استرابر^۴، ۲۰۱۳) که می‌تواند، دلیلی بر اهمیت و توجه روان‌شناسان به خردمندی و کاربردهای آن خصوصاً در حوزه تعلیم و تربیت باشد و سازه خردمندی در مقایسه با اکثر موضوعات دیگر روان‌شناسی شناختی-اجتماعی، دارای تاریخ اندیشه غنی است و با فلسفه، ادبیات و مذهب در ارتباط است (استادینگر و گلوک^۵، ۲۰۱۱) تا جائیکه طی قرون مختلف و فرهنگ‌های گوناگون نیز به آن به‌عنوان یکی از بالاترین فضائل نگاه شده است (والش و رمز^۶، ۲۰۱۵) و تحلیل‌های متداول انجام شده از فضیلت‌ها در نوشته‌های مذهبی و فلاسفه شرق و غرب، خردمندی را به‌عنوان یکی از شش فضیلت مهم در کنار دیگر فضائل شجاعت، عدالت، مروت، اعتدال و تعالی^۷ قرار داده است (دالساگارد، پترسون و سلیگمن^۸، ۲۰۰۵).

شروع تحقیقات روان‌شناسی خردمندی غالباً با رویکردهای ضمنی همراه بوده است (اسعدی، ۱۳۹۴). خردمندی مفهومی پیچیده است که علیرغم دشواری در تعریف خردمندی، میان پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه نوعی توافق کلی وجود دارد؛ بر این اساس که خردمندی را مفهومی مبنی بر دانش شناختی، درک و بینش عمیق، داشتن تفکر تأملی و تلفیقی از در نظر گرفتن منافع فردی در تعامل با منافع دیگران می‌دانند (آردلت، ۲۰۱۱). خردمندی می‌تواند، بینشی منحصر به فرد و بی‌همتا را در موقعیت‌های فردی و همچنین شرایط معنادهی از زندگی فراهم سازد (شهسواری، حکیمی، علیرضالو و ستاری، ۲۰۱۵). گروسمن و برینزا^۹ (۲۰۱۸) نیز بر دلایل فلاسفه و دانشمندان رفتاری دال بر وجود عناصرشناختی خردمندی قوت بخشیدند.

یانگ^{۱۰} (۲۰۱۱) خردمندی را شامل انسجام شناختی، عینیت یافتن در عمل و تاثیرگذاری بر خود و دیگران برای حفظ منافع جمعی می‌داند. خردمندی می‌تواند، توانایی استفاده از استدلال

1. Sternberg & Speculations
2. wisdom
3. Ardlet
4. Glück, König, Naschenweng, Redzanowski, Dörner, & Straber
5. Staudinger & Glück
6. Walsh, & Reams
7. courage, justice, humanity, temperance, transcendence
8. Dahlsgaard, Peterson, & Seligman
9. Grossmann & Brienza
10. Yang

عملگراییانه برای حل چالش‌های مهم زندگی (گروسمن، ساهدرا و سیاروچی^۱، ۲۰۱۶) و یا دانش درباره اینکه چه زمانی از چه راهبردی برای حل مسئله یا خودتنظیمی بکار برد (استادینگر و گلوک، ۲۰۱۱)، باشد.

بر مبنای تعاریف مختلف برخی از پژوهشگران از جمله وبستر^۲ (۲۰۰۷) به عملیاتی کردن سازه‌ی خردمندی پرداختند. وی بیان می‌کند، افراد خردمند به واسطه ارزش‌های گوناگون روان‌شناسی مثبت برانگیخته می‌شوند و به‌طور پیوسته دید مثبت و یکپارچه به زندگیشان دارند (وبستر، ۲۰۱۰). به زعم این پژوهشگر خردمندی به معنای مهارت، هدف و کاربرد تجربیات مهم زندگی در تسهیل رشد بهینه خود و دیگران با پنج ویژگی مکمل یکدیگر است. این ویژگی‌ها عبارتند از: تجربیات بحرانی زندگی^۳ (به ویژه تجارب دشوار و کسب شده در شرایط حساس که به لحاظ اخلاقی چالش برانگیز باشند)، تنظیم هیجانی^۴ (توانایی تشخیص، پذیرش و بیان سازنده یک طیف کامل از احساسات مختلف انسان در شرایط گوناگون)، تامل / مرور^۵ (توجه به نقاط قوت و ضعف فردی و بررسی معنادار بودن زندگی با نگرش فلسفی)، گشودگی به تجربه^۶ (پذیرش دیدگاه‌های متناوب، تمایل به بررسی احتمالات، چشم‌اندازها و راه‌های خلاقانه حل مسئله)، شوخ طبعی^۷ (استفاده از جنبه‌های طنز و شوخی با نفوذ و موثر برای کاهش استرس و ایجاد رابطه اجتماعی مناسب در جهت آرامش خود و دیگران) (وبستر، ۲۰۰۷).

با توجه به دیدن خردمندی به‌عنوان نقطه‌ای پایانی و ایده‌آل در رشد انسان (استادینگر و گلوک، ۲۰۱۱) و اهمیت موضوع خردمندی در دوره‌های تاریخی مختلف و همچنین شروع تحقیقات روان‌شناسی خردمندی در سال‌های اخیر، بررسی عوامل پیش‌بینی کننده خردمندی به‌منظور رسیدن به پیامدهای مثبت آن ضروری به نظر می‌رسد. زمانی که صحبت از پیشایندهای خردمندی به میان می‌آید، شخصیت در رأس آن قرار خواهد داشت. در مدل‌های خردمندی (کنزمان و بالتس^۸، ۲۰۰۵) به ویژگی‌های شخصیتی در رشد خردمندی توجه شده است (کنزمان و بالتس، ۲۰۰۵). شخصیت به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز در فرد تلقی شده است (خادمی، ولی پور، خراسانی و نیشابوری، ۱۳۹۳) که در سال‌های اخیر مدل پنج عاملی شخصیت^۹ به‌طور وسیع به‌عنوان نظریه‌ای که توصیف‌گر شخصیت‌های گوناگون است، پذیرفته شده است. بسیاری از تحقیقات ساختار پنج عاملی را بیولوژیکی می‌دانند که در فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون مورد تأیید قرار گرفته است

1. Grossmann, Sahdra, & Ciarrochi
2. Webster
3. critical life experiences
4. emotional regulation
5. reminiscence/reflectiveness
6. openness to experience
7. humor
8. Kunzmann, & Baltes
9. five factor model

(یاماگاتا^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). آزمون‌های بین فرهنگی در بیش از پنجاه کشور و شش قاره از وجود پنج عامل بزرگ شخصیت حمایت می‌کنند (اشمیت^۲ و همکاران، ۲۰۰۷؛ ویلیامز، اورپن، هاتچینسون، والکر و زامبو^۳ (۲۰۰۷). این عوامل عبارت از برون‌گرایی^۴، روان‌نژندگرایی^۵، گشودگی تجربه^۶، توافق‌پذیری^۷ و وظیفه‌گرایی است (مک‌کری و کاستا، ۱۹۹۹).

ارتباط بین عوامل شخصیتی و خردمندی از سوی محققان مختلف نیز اشاره شده است. به‌طور مثال استادینگر، دورنر و میچلر (۲۰۰۵) بیان می‌کنند، بخشی از واریانس خردمندی به وسیله شاخص‌های شخصیتی و شناختی قابل تبیین است و سهم این عوامل در پیش‌بینی خردمندی در دوره‌های رشدی مختلف تغییر می‌کند. لکتورر^۸ (۲۰۰۹) نیز در بررسی روابط بین ویژگی‌های شخصیت و خردمندی بیان می‌کند که سه بعد برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌گرایی با ابعاد تاملی و عاطفی خردمندی رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. لی و لونسون^۹ (۲۰۰۵) نیز عنوان کردند که روان‌نژندگرایی ارتباط منفی با تعالی خود به‌عنوان خردمندی و دیگر ابعاد شخصیت ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد.

اما در این میان انتظار می‌رود که عوامل شخصیتی نه تنها به‌طور مستقیم بلکه به واسطه عوامل انگیزشی و فرایندهای شناختی - اجتماعی قادر به پیش‌بینی خردمندی باشند. بر این اساس در مدل خردمندی برلین^{۱۰}، به نقش واسطه‌ای فرایندهای شناختی - اجتماعی، باورها و نظام خود در شکل‌گیری خردمندی اشاره کرده‌اند. در این مدل فرایندهای شناختی - اجتماعی تامل برانگیز زندگی (یعنی برنامه‌ریزی زندگی، مدیریت زندگی و بازنگری زندگی) در رشد دانش و قضاوت خردمندانه اهمیت دارند. خردمندی به‌عنوان توانایی مقابله در رویارویی با مشکلات عنوان شده است (ویلیامز^{۱۱}، ۲۰۱۶)، به‌طوری که به‌کارگیری راهبردهای مهم و دشوار در هدایت و معناداری زندگی از ویژگی‌های افراد خردمند ذکر شده است (بالتس، ۲۰۰۵). فرد خردمند در مواجهه با مسائل زندگی به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که مهارت‌های مقابله‌ای مناسب و احساس خودکارآمدی برای رویارویی با مسائل مشابه در آینده را در خود تقویت نماید (وبستر، ۲۰۰۷). در همین زمینه گرین و براون^{۱۲} (۲۰۰۹)، نیز رشد منابع درونی موفقیت و خودکارآمدی را از عوامل موثر در رشد خردمندی ذکر

1. Yamagata
2. Schmitt
3. Williams, Orpen, Hutchinson, Walker, & Zumbo
4. extraversion
5. neuroticism
6. openness to experience
7. agreeableness
8. Lecturer
9. Lee, & Levenson
10. The Berlin Wisdom Model
11. Williams
12. Greene, & Brown

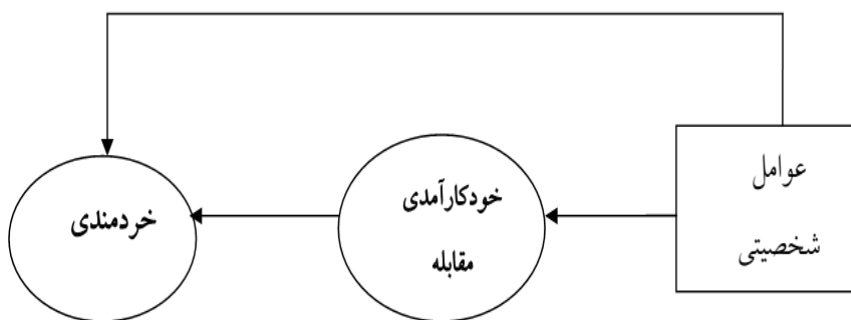
می‌کنند. بنابراین از جمله عواملی که می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری خردمندی داشته باشد خودکارآمدی مقابله^۱ است.

خودکارآمدی مقابله یکی از انواع خودکارآمدی است که به باور افراد در مقابله و رویارویی با وقایع استرس‌زا و چگونگی برخورد مطلوب و مناسب با آنها اشاره دارد (چسنی، نیلندز، چمبرس، تیلور و فولکمن^۲، ۲۰۰۶). افراد با سطوح بالای خودکارآمدی مقابله با اتکا به تلاش خود در هنگام مواجهه با موانع احتمالی، پافشاری و استقامت بیشتری از خود نشان می‌دهند (نیکولز، پلمن، لوی و بورکولز^۳، ۲۰۱۰). خودکارآمدی مقابله دارای سه بعد خودکارآمدی برای مقابله مسئله‌مدار^۴ (باور افراد به حل و تغییر مسئله در شرایط استرس‌زا)، خودکارآمدی برای مقابله هیجان‌مدار^۵ (باور افراد به توانایی توقف افکار و هیجانات ناخوشایند در شرایط تهدیدکننده) و خودکارآمدی برای مقابله در استفاده از حمایت‌اجتماعی^۶ (باور افراد به کمک گرفتن از اطرافیان و حتی نهادهای اجتماعی در شرایط تهدیدکننده و ناخوشایند) است (چسنی و همکاران، ۲۰۰۶). تحقیقات از ارتباط بین پنج عامل بزرگ شخصیت و خودکارآمدی حمایت می‌کنند. به‌طور مثال کاروسلی، لبودا، ویسنسکا و گراسکی^۷ (۲۰۱۳) بیان کردند که ابعاد گشودگی به تجربه، برون‌گرایی و وظیفه‌گرایی ارتباط مثبت و روان-نژندگرایی و توافق‌پذیری ارتباط منفی با خودکارآمدی دارند. وانگو و همکاران (۲۰۱۴) نیز این ارتباط را تأیید کرده‌اند. استرابل، تاماسجان و اسپرل^۸ (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که روان‌نژندگرایی با خودکارآمدی ارتباط منفی و دیگر ابعاد شخصیت بجز توافق‌پذیری ارتباط مثبت با خودکارآمدی دارند. هارتمن و بتز^۹ (۲۰۰۷) بیان کردند که دو بعد شخصیت وظیفه‌گرایی و برون‌گرایی ارتباط مثبت با انواع خودکارآمدی دارند. تحقیقات ایرانی نیز حاکی از این ارتباط است. به‌طور مثال، رحمانی، گلشنی، امامی‌پور و حسنی (۱۳۹۵) ذکر می‌کنند که روان‌نژندگرایی با خودکارآمدی همبستگی منفی و سایر ابعاد شخصیت با خودکارآمدی ارتباط مثبت دارند. میرخانی، باقریان و شکری (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که بخش قابل توجهی از خودکارآمدی از طریق روان‌نژندگرایی، برون‌گرایی و وظیفه‌گرایی قابل پیش‌بینی است. صورتی، فراهانی و مرادی (۱۳۹۳) نیز بیان کردند که بین ابعاد مختلف شخصیت با انواع خودکارآمدی همبستگی معنی‌دار دیده شده است. کاکابرای، شکری، شهریار، تقی‌لو و باقری (۱۳۹۲) نیز عنوان کردند که افراد با نمره بالا در بعد برون‌گرایی شخصیت در مواجهه با موقعیت تنیدگی‌زا از راهبردهای فعالانه و کارآمد نظیر برخورد مسئله‌مدارانه با موقعیت و برآورد توانش خود فراتر از آن موقعیت استفاده می‌کنند؛ با این

1. coping self efficacy
2. Chesney, Neilands, Chambers, Taylor, & Folkman
3. Nicholls, Polman, Levy, & Borkoles
4. problem-focused coping
5. emotions-focused coping
6. social support
7. Karwowski, Lebuda, Wisniewska, & Gralewski
8. Stroble, Tumasjan, & Sporrle
9. Hartman, & Betz

حال در تحقیق دهقان و همکاران (۱۳۹۳) بین ابعاد شخصیت و خودکارآمدی ارتباط معنی‌دار دیده نشده است.

با توجه به اینکه عوامل شخصیتی و فرایندهای شناختی-اجتماعی و انگیزشی در مدل برلین از پیشایندهای خردمندی ذکر شده است و محققان به‌صورت پراکنده به ارتباط عوامل شخصیتی و خردمندی اشاره کرده‌اند. لیکن نکته حائز اهمیت و قابل توجه، غفلت محققان به بررسی نقش واسطه‌گری خودکارآمدی مقابله در بین عوامل شخصیتی و خردمندی است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر پر کردن چنین شکافی و انسجام یافته‌های پراکنده در این خصوص است و قصد دارد که در ابتدا اثرهای مستقیم عوامل شخصیتی بر خردمندی و خودکارآمدی مقابله و در نهایت نقش واسطه‌گری خودکارآمدی مقابله در رابطه بین عوامل شخصیتی و خردمندی مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. شکل ۱ مدل پیشنهادی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.



شکل ۱- مدل پیشنهادی تبیین خردمندی بر اساس عوامل شخصیتی و خودکارآمدی مقابله

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی در قالب مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ به تعداد ۱۴۲۵۶ نفر بودند. جهت برآورد حجم نمونه بر اساس کلاین (۲۰۱۱) که تعداد نمونه را ۲،۵۱ تا ۵ تعداد گویه‌ها بیان می‌کند، ۴۰۰ دانشجو (۲۶۱ زن، ۱۳۹ مرد) با میانگین سنی ۲۱/۴۷ و انحراف استاندارد ۳/۸ سال به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به ابزارهای پژوهش پاسخ دادند. در تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم افزار SPSS (نسخه ۲۱) به منظور تحلیل داده‌های توصیفی، از قبیل میانگین و انحراف استاندارد و از نرم افزار AMOS (نسخه ۲۱) برای آزمون فرضیه‌های نهایی استفاده شد. قابل ذکر است که پیش از اجرای پژوهش رضایت کلیه مشارکت‌کنندگان اخذ گردیده است.

ابزار پژوهش

الف) مقیاس خودسنجی خردمندی^۱: این مقیاس توسط وبستر (۲۰۰۳) تدوین شده است، مقیاس خردمندی دارای ۴۰ آیتم و بر طیف ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) طراحی شده است و شامل ۵ خرده مقیاس، تجربه بحرانی زندگی، تنظیم هیجان، مرور/ تامل، شوخ طبعی و باز بودن به تجربه است. نمره گذاری منفی در این ابزار وجود ندارد. نتایج تحلیل عامل روایی مدل ۵ مولفه‌ای را نشان داده است. آلفای کرونباخ برای کل مقیاس معادل ۰/۹۰ و میزان پایایی بازآزمایی آن پس از دو هفته برابر ۰/۸۴ بوده است (وبستر، ۲۰۰۷). در تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم شاخص‌های برازش استخراج شده مدل پنج عاملی نسبت به مدل اصلی از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار بوده است (قربانی، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر برای ارزیابی روایی از تحلیل عامل تأییدی استفاده شد که شاخص‌های برازش مطلوب بود. همچنین برای بررسی پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ گردید که مولفه‌های تجربه بحرانی زندگی، تنظیم هیجان، مرور / تامل، شوخ طبعی، باز بودن و نمره کل خردمندی به ترتیب ضرائب آلفای ۰/۶۱، ۰/۷۶، ۰/۷۶، ۰/۷۴، ۰/۵۵ و ۰/۸۸ به دست آمد.

ب) پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت^۲: در این پژوهش برای سنجش پنج عامل بزرگ شخصیت از پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت (گلدبرگ، ۱۹۹۹) فرم کوتاه ۲۱ گویه‌ای، تدوین شده توسط (خرمائی و فرمانی، ۱۳۹۳) استفاده شد. این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) طراحی شده است.

خرمائی و فرمانی (۱۳۹۳) برای تعیین روایی پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت (فرم کوتاه) از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی همراه با چرخش واریماکس استفاده کردند نتایج وجود پنج عامل بزرگ شخصیت را مورد تأیید قرار داد. در این پژوهش برای تعیین روایی ضرائب همبستگی گویه‌های هر عامل با نمره کل آن عامل محاسبه شد. تمام این ضرائب معنادار بوده است و هر گویه بیشترین همبستگی را با عامل خود داشته است. همبستگی گویه‌ها با نمره کل برای ابعاد برون‌گرایی (۰/۶۴ تا ۰/۴۸)، توافق‌پذیری (۰/۷۷ تا ۰/۶۱)، وظیفه‌گرایی (۰/۷۱ تا ۰/۵۰)، گشودگی به تجربه (۰/۷۲ تا ۰/۵۴) و روان‌نژندگرایی (۰/۷۰ تا ۰/۶۶) بدست آمد و برای تعیین پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد که برای ابعاد برون‌گرایی، توافق‌پذیری، وظیفه‌گرایی، روان‌نژندگرایی و گشودگی به تجربه به ترتیب عبارت از ۰/۷۰، ۰/۶۸، ۰/۵۵، ۰/۷۴ و ۰/۵۳ بوده است.

ج) مقیاس خودکارآمدی مقابله^۳: چسنی و همکاران (۲۰۰۶) به منظور اندازه‌گیری خودکارآمدی مقابله به طراحی و بررسی مقیاس ۲۶ عبارتی هفت درجه‌ای لیکرت از کاملاً مطمئن که می‌توانم (۷) تا کاملاً مطمئن که نمی‌توانم (۱) در دانشجویان پرداختند. این مقیاس دارای سه بعد

1. The Self-Assessed Wisdom Scale
2. Big Five Personality
3. Coping Self efficacy Scale

مقابله مسئله‌مدار، مقابله هیجان‌مدار، مقابله برای استفاده از حمایت اجتماعی است. این پژوهشگران برای ارزیابی روایی، همبستگی نمره خودکارآمدی مقابله کل را با پرسشنامه‌های افسردگی، اضطراب صفت و اضطراب حالت به ترتیب، $0/48$ ، $-0/54$ و $-0/54$ برآورد کردند و برای ارزیابی پایایی، آلفای کرونباخ را برای ابعاد مقابله مسئله‌مدار، مقابله هیجان‌مدار و حمایت اجتماعی به ترتیب $0/94$ و $0/80$ گزارش نمودند. در تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم شاخص‌های برازش استخراج شده نسبت به مدل اصلی از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار بوده است (قربانی، ۱۳۹۶). در این پژوهش نیز برای ارزیابی روایی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که برازش مدل در حد مطلوب بوده است و وجود عامل‌ها تایید شده است. برای ارزیابی پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد که برای ابعاد مقابله مسئله‌مدار، مقابله هیجان‌مدار، حمایت اجتماعی و نمره کل خودکارآمدی مقابله به ترتیب ضرائب آلفای $0/86$ ، $0/78$ ، $0/89$ و $0/94$ به دست آمد.

یافته‌ها

در بررسی فرضیه‌های پژوهش ابتدا میانگین و انحراف معیار متغیرها محاسبه شد و به ترتیب برای ابعاد برون‌گرایی ($16/63$ ، $±2/99$)، توافق‌پذیری ($15/88$ ، $±2/71$)، وظیفه‌گرایی ($14/52$ ، $±2/72$)، روان‌نزدگرایی ($12/29$ ، $±2/96$)، گشودگی به تجربه ($14/15$ ، $±2/73$)، خودکارآمدی مقابله ($21/88$ ، $±1/19$) و خردمندی ($19/92$ ، $±1/86$) بدست آمد. ماتریس همبستگی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

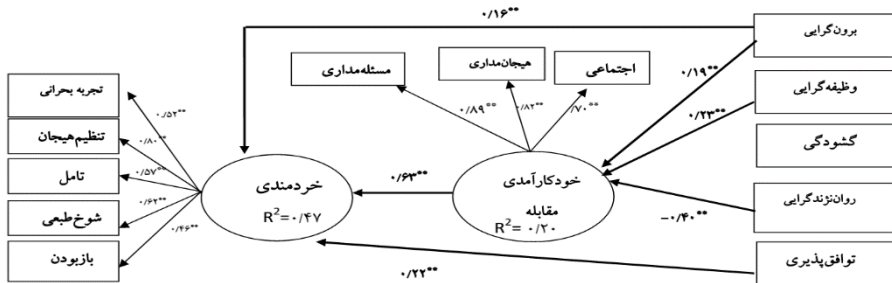
جدول ۱- ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	برون‌گرایی	توافق‌پذیری	وظیفه‌گرایی	روان‌نزدگرایی	گشودگی به تجربه	خودکارآمدی مقابله	خردمندی
۱. برون‌گرایی	-						
۲. توافق‌پذیری	$0/28^{**}$	-					
۳. وظیفه‌گرایی	$0/17^{**}$	$0/30^{**}$	-				
۴. روان‌نزدگرایی	$0/15^{**}$	$0/14^{**}$	$-0/25^{**}$	-			
۵. گشودگی به تجربه	$0/09^{**}$	$0/20^{**}$	$0/27^{**}$	$-0/28^{**}$	-		
۶. خودکارآمدی مقابله	$0/28^{**}$	$0/16^{**}$	$0/28^{**}$	$-0/51^{**}$	$0/24^{**}$	-	
۷. خردمندی	$0/30^{**}$	$0/28^{**}$	$0/18^{**}$	$-0/15^{**}$	$0/25^{**}$	$0/45^{**}$	-

$0/01^{***}P \leq 0/05^{**}P \leq$

همان طور که در جدول ۱، ملاحظه می شود بین ابعاد گوناگون شخصیت و خودکارآمدی مقابله و خردمندی همبستگی معنادار وجود دارد. بنابراین پس از بررسی و اطمینان از وجود رابطه همبستگی بین ابعاد متغیرها، به منظور حصول اطمینان از عدم هم خطی بین متغیرهای پیشین، مفروضه های مدل یابی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت بر اساس نتایج به دست آمده میزان شاخص تحمل^۱ بین ۰/۶۶ تا ۰/۸۴ و میزان شاخص عامل تورم واریانس^۲، بین ۱/۲۴ تا ۱/۵۱ بود که نشان می دهند بین متغیرهای پیشین، همخطی چندگانه وجود نداشته است.

در شکل ۲، مدل ساختاری مورد آزمون و مدل های اندازه گیری پژوهش که شامل ضرایب رگرسیون یا بارهای عاملی رابطه متغیرهای مکنون و مشاهده شده است، آمده است.



شکل ۲- مدل ساختاری عوامل شخصیتی، خودکارآمدی مقابله و خردمندی

اساس شکل ۲ می توان بیان کرد که عوامل شخصیتی و خودکارآمدی مقابله ۴۷ درصد ($R^2 = 0.47$) از تغییرات خردمندی و همچنین عوامل شخصیتی ۲۰ درصد ($R^2 = 0.20$) از تغییرات خودکارآمدی مقابله را تبیین کرده است. شاخص های برازش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- شاخص های برازش مدل

شاخص	x/df	GFI	AGFI	IFI	CFI	Tli	RMSEA	PCLOSE
مقدار	۲/۵۰	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۴	۰/۰۵	۰/۱۵

1. Tolerance factor
2. Variance Inflation Factor (VIF)

مطابق با جدول ۲، شاخص‌های برازش مدل ($X^2/df=2/50$ ، $AGFI=0/93$ ، $GFI=0/97$ ، $CFI=0/97$ ، $TLI=0/94$ ، $RMSEA=0/05$ ، $PCLOSE=0/15$) مطابق با معیار کلاین (۲۰۱۶) حاکی از آن بود که مدل نهایی پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است و در جدول ۳ اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها گزارش شده است.

جدول ۳- اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای پژوهش

مسیر	متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
ب خردمندی	برون‌گرایی	۰/۱۶**	۰/۱۱**	۰/۲۷**
	گشودگی	۰/۰۷	۰/۰۴**	۰/۱۱
	توافق‌پذیری	۰/۲۲**	-	۰/۲۲**
	وظیفه‌گرایی	-	۰/۱۴**	۰/۱۴**
	روان‌نژندگرایی	-	-۰/۲۵**	-۰/۲۵**
	خودکارآمدی مقابله	۰/۶۳**	-	۰/۶۳**
ب مقابله خودکارآمدی	برون‌گرایی	۰/۱۹**	-	۰/۱۹**
	وظیفه‌گرایی	۰/۲۳**	-	۰/۲۳**
	روان‌نژندگرایی	-۰/۴۰**	-	-۰/۴۰**

$$p = 0/001 \text{ } p = 0/01$$

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، از بین ابعاد شخصیت برون‌گرایی و توافق‌پذیری به ترتیب ($\beta = -0/16$ ، $\beta = 0/22$ و $p = 0/001$) اثر مستقیم و برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، وظیفه‌گرایی و روان‌نژندگرایی به ترتیب ($\beta = 0/11$ ، $\beta = 0/04$ ، $\beta = 0/14$ ، $\beta = -0/25$ و $p = 0/001$) اثر غیر مستقیم با واسطه‌گری خودکارآمدی مقابله بر خردمندی دارند. همچنین برون‌گرایی، وظیفه‌گرایی و روان‌نژندگرایی اثر مستقیم ($\beta = 0/19$ ، $\beta = 0/23$ ، $\beta = -0/40$ و $p = 0/001$) بر خودکارآمدی مقابله داشتند و بدین ترتیب فرضیه‌های پژوهش مورد تایید قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی روابط بین پنج عامل بزرگ شخصیت و خردمندی با واسطه‌گری خودکارآمدی مقابله در قالب مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که از بین پنج عامل بزرگ شخصیت ابعاد برون‌گرایی و توافق‌پذیری به‌طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده خردمندی هستند. این نتایج با یافته‌های برخی مطالعات مانند استادینگر و همکاران (۲۰۰۵) لکتورر (۲۰۰۹)، لونسون و همکاران (۲۰۰۵) همسو است که شخصیت را زیربنای خردمندی عنوان می‌کنند. در تبیین ارتباط توافق‌پذیری و خردمندی می‌توان گفت که ویژگی‌هایی مانند، نوع‌دوستی، توجه به دیگران و از خودگذشتگی و نگرانی با هدف سودرسانی به دیگران از ویژگی‌های افراد خردمند

است (بلوک و گلوک، ۲۰۰۵) تا جائیکه همدردی، عشق و داشتن نگرش همدلانه مثبت به دیگران به‌عنوان مؤلفه عاطفی خردمندی ذکر شده است (آردلت، ۲۰۰۵). خردمندان در فعالیت‌های مربوط به برنامه‌های تحصیلی و شرایط زندگی با گرمی، محبت، نگرانی، همدردی به تعامل با دیگران می‌پردازند و نمی‌توانند، نسبت به دیگران بی‌تفاوت و مبارزه‌جو باشند؛ بلکه به آنها عشق می‌ورزد و با هدف دوست داشتن دلسوزانه با اطرافیان در ارتباط هستند. این در حالیست که اساس توافق‌پذیری نیز کیفیت رفتارهای بین فردی است (الکساندر، آلبرت، جاکوب و گابریلا، ۲۰۱۵)، افرادی که در این عامل نمره بالا بدست می‌آورند، دارای حس فداکاری و از خودگذشتگی هستند و اغلب در کارهای گروهی با همکاری بالا و بدور از هر گونه بدبینی، به سادگی به دیگر افراد اعتماد می‌کنند. همنوایی با دیگر اعضا گروه و محترم شمردن دیگران و داشتن صداقت، بی‌ریایی، تواضع و دوری از غرور در آنها به خوبی مشاهده می‌شود. بر این اساس ارتباط توافق‌پذیری و خردمندی قابل تبیین به نظر می‌رسد.

در مورد ارتباط برون‌گرایی و خردمندی نیز می‌توان گفت که یکی از ابعاد خردمندی کسب تجارب متعدد خصوصاً در موقعیت‌های حساس و بحرانی در پی شکل‌گیری بلوغ و بالا رفتن سن و همچنین برخورد با محیط‌های گوناگون است (وبستر، ۲۰۰۷). هر چند خردمندی فقط انباشت تجارب نیست، لیکن تجارب چالش برانگیز می‌تواند رشد خردمندی را تسهیل نماید و خردمندی به تدریج در طول زندگی با تحریک بیشتر و مواجهه با چالش‌های مرتبط با سن افزایش یابد. بر این اساس ویژگی تجربه‌اندوزی و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی برون‌گرایان و داشتن رویکردی پر انرژی به جهان مادی و اجتماعی با مولفه‌های هیجان‌خواهی مثبت، گروه‌گرایی، فعال بودن، قاطعیت و جرات‌مندی و صمیمی بودن، همراه با قاطعیت و جسارت برون‌گرایان (تامارا و بنیت، ۲۰۱۵)، می‌تواند بستری برای رشد و شکوفایی خردمندی باشد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که اثر غیر مستقیم برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، وظیفه‌گرایی و روان‌نژندگرایی به خردمندی با واسطه‌گری خودکارآمدی مقابله مورد تأیید قرار می‌گیرد. در مورد وظیفه‌گرایی، یافته‌ها رابطه مثبت و غیر مستقیم (با واسطه خودکارآمدی) بر خردمندی را نشان می‌دهند. وظیفه‌گرایی به کنترل ارادی شناخت و رفتار افراد یا خودکنترلی بالا اشاره دارد (مک‌کالو و ویلوگی، ۲۰۰۹). این ویژگی با موفقیت در رفتارهایی مرتبط است که به تلاش و خودمحدودسازی نیاز بیشتری دارند (الکساندر و همکاران، ۲۰۱۵) تا جائیکه که وظیفه‌گرایان با مدیریت بحران قوی و شرکت سازنده و فعال در محیط پیرامون، باور به توانمندی و خودکارآمدی در مقابله با مشکلات را در خود تقویت می‌سازند و با افزایش تلاش برای کسب موفقیت، اعتماد به توانمندی‌های خویش و بلند همتی، زمینه شکوفایی و بروز خردمندی را در خود پدیدار می‌سازند.

1. Alexander, Albert, Jakub, & Gabriela
2. Tamara & Bennett

در تبیین ارتباط بین گشودگی به تجربه و خردمندی نیز می‌توان گفت که تمایل و علاقه یادگیری در افراد خردمند مستمر و دائمی است (گرین و براون، ۲۰۰۹). آنها در عین اینکه به دانسته‌های خود اعتماد دارند؛ هرگز آنها را کافی نمی‌دانند و انگیزه یادگیری در آنها همواره پویا است. بنابراین افراد دارای گشودگی به تجربه با خصوصیات شرکت سازنده در کسب دیدگاه‌های جدید و کسب تجارب در موقعیت‌های گوناگون می‌توانند، باعث تقویت باور خودکارآمدی مقابله خود شوند که همه اینها باعث می‌شود، کسب دانش مرتبط با خردمندی در آنها تسهیل گردد. بر این اساس گشودگی به تجربه می‌تواند، مبنای رشد خردمندی دانشجویان قرار گیرد.

این در حالی است که روان‌نژندگرایی عملکردی معکوس دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این متغیر به‌طور غیر مستقیم با اثرگذاری بر خودکارآمدی مقابله تأثیری منفی و معنادار بر خردمندی دارد. افراد روان‌نژندگرا در تصمیم‌گیری‌های خود، تکانشی و بدون تامل عمل کرده و دچار عواطف ناسالمی چون اضطراب و گناه می‌گردند (تامارا و بنیت، ۲۰۱۵) و در مقابله با مشکلات بیشتر به خشونت متوسل می‌شوند و کمتر به دنبال حل مسائل و در نظر گرفتن دیدگاه‌های جدید هستند. این افراد خلق و خوی متغیر و رفتارهای برانگیخته دارند و همین مسئله عاملی برای دوری از خودکارآمدی مقابله‌ای می‌شود و زمانی که به آنچه می‌خواهند، نمی‌رسند با عدم خود باوری، دچار تعارض و عصبانیت همراه با احساس یاس و ناکامی می‌شوند و در نتیجه با انجام اعمال تکانشی همراه با باور به ناخودکارآمدی در مقابله با مشکلات از خردمندی دور می‌شوند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که از بین ابعاد شخصیت، برون‌گرایی و روان‌نژندگرایی پیش‌بینی کننده معنی‌دار خودکارآمدی مقابله بودند. با توجه به اینکه بندورا (۱۹۸۶) خودکارآمدی مقابله را یکی از انواع خودکارآمدی می‌داند و تحقیقی که مستقیم به ارتباط شخصیت و خودکارآمدی دیده نشد در اینجا به تحقیقات شخصیت و خودکارآمدی مستند شد. این یافته همسو با تحقیقات هارتمن و بتز (۲۰۰۷)؛ وانگ و همکاران (۲۰۱۴)؛ استرابل و همکاران (۲۰۱۱)؛ فتحی و همکاران (۱۳۹۳) و میرخانی و همکاران (۱۳۹۳)؛ صورتی و همکاران (۱۳۹۳) و رحمانی و همکاران (۱۳۹۵) است که بیان کردند خودکارآمدی به وسیله روان‌نژندگرایی و برون‌گرایی قابل پیش‌بینی است. در ارتباط برون‌گرایی و خودکارآمدی مقابله می‌توان گفت که افراد برون‌گرا انگیزه بالایی برای تعامل با دیگران و صرف وقت بیشتری برای فرایند اجتماعی شدن دارند که باعث کسب تجربه و موفقیت‌های گوناگون در محیط‌های مختلف و در نتیجه اعتماد به توانمندی‌های خود می‌شود. این افراد وقایع لذت‌بخش بیشتری را تجربه می‌کنند (بشارت، ۱۳۸۷) و آمادگی برای تجربه وقایع لذت‌بخش همراه با عواطف مثبت فراوان، آنها را در مقابله مناسب و بجا با رویدادهای استرس‌زای زندگی تقویت می‌کند و باور خودکارآمدی فرد را در مورد استفاده از سبک مقابله کارآمد به جای ناکارآمد مهیا می‌سازد.

در تبیین ارتباط روان‌نژندگرایی و خودکارآمدی مقابله می‌توان گفت که افراد روان‌نژندگرا از طرفی حوادث استرس‌زای بیشتری را تجربه می‌کنند و از طرف دیگر صرف نظر از سطح استرس و

تنش، مستعد تجربه هیجان‌های منفی و درماندگی بیشتری هستند (بشارت، ۱۳۸۷). آمادگی برای تجربه حوادث استرس‌زا، در سطحی فراتر از حد معمول، این افراد را در مقابله با رویدادهای استرس‌زای زندگی شکننده و آسیب‌پذیرتر می‌سازد و باور افراد را برای استفاده بیشتر از سبک‌های مقابله کارآمد خدشه‌دار می‌سازد و در نتیجه به سبک‌های ناکارآمد روی می‌آورد.

به‌طور کلی در این پژوهش ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی و توافق‌پذیری) به‌طور مستقیم و (برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، وظیفه‌گرایی و روان‌نژندگرایی) به‌طور غیر مستقیم از طریق خودکارآمدی مقابله با خردمندی مرتبط بودند. به بیان گویاتر متغیر واسطه خودکارآمدی مقابله هم اثر گیرنده و هم اثر دهنده دارند به گونه‌ای که از ویژگی‌های شخصیتی اثرپذیر و بر خردمندی اثرگذار است. بر این اساس ویژگی‌های شخصیتی مانند (برون‌گرایی، گشودگی به تجربه و وظیفه‌گرایی) با تاثیر بر بهبود خودکارآمدی باعث افزایش خردمندی می‌شوند و ویژگی‌های شخصیتی روان‌نژندگرایی با کاهش توان خودکارآمدی مقابله در مسیر رشد و شکوفایی خردمندی افراد خلل وارد می‌سازد.

یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان از جنبه تلویحات نظری و کاربردی مورد توجه قرار داد. خردمندی باعث بسیاری از رفتارهای مثبت می‌گردد، لذا شناسایی پیشایندهای این متغیر جامع، مسیر پیش‌بینی و ایجاد بسیاری از متغیرها را فراهم می‌کند و به دانش موجود در زمینه خردمندی می‌افزاید. این پژوهش علاوه بر معرفی مدلی تبیینی از خردمندی، توانست متغیر خودکارآمدی مقابله را به‌عنوان بخشی از مدل تبیینی خردمندی مورد توجه قرار دهد. همه این موارد گویای مساعدت پژوهش حاضر در جهت تکمیل بدنه ادبیات دانش در این زمینه است.

در راستای نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه از سویی عوامل شخصیتی دارای ثبات نسبی هستند و تغییر آنها به راحتی امکان پذیر نیست و از سوی دیگر از طریق غیر مستقیم و با واسطه‌گری خودکارآمدی مقابله بر روی خردمندی تاثیرگذارند. بنابراین با تاکید بر بسترسازی محیط و طراحی بسته‌های آموزشی طوری برنامه‌ریزی شود که افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی گوناگون با تقویت خودکارآمدی مقابله بتوانند در مسیر شکوفایی خردمندی گام بردارند.

منابع

- اسعدی، سمانه (۱۳۹۴). ویژگی‌های افراد خردمند بر پایه نظریه‌های ضمنی. پژوهش‌نامه روان-شناسی مثبت، ۱ (۱)، ۵۱-۶۶.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۷). شخصیت و سبک‌های مقابله با استرس. فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز، ۳۱ (۶)، ۲۰-۵۲.
- خادمی، علی؛ ولی‌پور، مریم؛ خراسانی، لاله و نیشابوری، سیمین (۱۳۹۳). رابطه شخصیت با رضایت زناشویی و مولفه‌های آن. روان‌شناسی کاربردی، ۴ (۳۴)، ۹۵-۱۰۳.

- خرمائی، فرهاد و فرمانی، اعظم (۱۳۹۳). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۴ (۱۶)، ۲۹-۳۹.
- دهقان، فاطمه؛ شفقتی، عباس و آتش‌پور، حمید (۱۳۹۳). رابطه عوامل شخصیت و خودکارآمدی عمومی با امیدعاملی و راهبردی درمان در معتادان. *اعتیادپژوهشی سوء مصرف مواد*، ۱ (۳۱)، ۹۱-۱۰۸.
- رحمانی، جواد؛ گلشنی، فاطمه؛ امامی‌پور، سوزان و حسنی، فریبا (۱۳۹۵). ارتباط ویژگی‌های شخصیتی با خودکارآمدی اعضاء هیات علمی جهاد دانشگاهی. *تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ۲ (۲)، ۹۶-۱۰۷.
- صورتی، پوران؛ فراهانی، محمدرقی و مرادی، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی رابطه ساختاری صفات شخصیت، خودکارآمدی مقابله و بهزیستی ذهنی. *علوم رفتاری* ۱ (۱)، ۳۷-۴۵.
- فتحی، فتنه؛ حاجی یخچالی، علیرضا؛ مروتی، ذکرااله (۱۳۹۳). رابطه‌ی علی و ویژگی‌های شخصیت و باورهای هوشی با خودکارآمدی تحصیلی با میانجی‌گری هدف‌های پیشرفت. *دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۴ (۱)، ۵۵-۷۸.
- قربانی، رقیه (۱۳۹۶). تبیین خردمندی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و هوش موفق با واسطه‌گری اخلاق (صبر) و خودکارآمدی مقابله. (پایان نامه دکتری منتشر نشده). دانشگاه شیراز، شیراز.
- کاکابرابی، کیوان؛ شکری، امید؛ پورشهریار، حسین؛ تقی‌لو، صادق و باقری، مریم (۱۳۹۲). روابط ساختاری بین فشارهای عینی، تنیدگی تحصیلی، سبک مقابله، پاسخ به تنش‌گرها و رضایت تحصیلی. *روان‌شناسی کاربردی*، ۲ (۲۶)، ۱۱۱-۱۲۸.
- میرخانی، پوپک؛ باقریان، فاطمه و شکری، امید (۱۳۹۳). نقش میانجی‌گری باورهای خودکارآمدی در رابطه با صفات شخصیت و سبک اسنادی. *روان‌شناسی کاربردی*، ۱ (۳۱)، ۵۷-۴۵.
- Alexander, T. V., Albert, K., Jakub, M., & Gabriela, J. (2015). The Big Five and adolescent adjustment: An empirical test across six Cultures. *Personality and Individual Differences*, 83, 234-244.
- Ardel, M. (2005). How wise people cope with crises and obstacles in life. *Revision: Consciousness and Transformation*, 28(1), 7-19.
- Ardel, M. (2011). Wisdom, Age, and Well-Being. In K.W.Schaie & S.L.Willis(Eds.), *Handbook of the Psychology of Aging*. AP: Academic Press
- Baltes, P. B. (2005). *Wisdom: The orchestration of mind and virtue*. Berlin: Max Planck Institute for Human Development.
- Bluck, S., & Gluck, J. (2005). From the inside out: People's implicit theories of wisdom. In R. J. Sternberg & J. Jordan (2005), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives*, (pp. 84-109). Cambridge: Cambridge University Press.
- Chesney, M. A., Neilands, T. B., Chambers, D. B., Taylor, J. M., & Folkman, S. (2006). A validity and reliability study of the coping self-efficacy scale. *British Health Psychology*, 11, 421- 437.

- Dahlsgaard, K., Peterson, C., Seligman, M. E.P. (2005). Shared Virtue: The Convergence of Valued Human Strengths Across Culture and History. *Review of General. Educational Publishing Foundation*, 9(3), 203–213.
- Glück, J., König, S., Naschenweng, K., Redzanowski, U, Dorner, L, & Straber, I. (2013). How to measure wisdom: content, reliability, and validity of five measures. *Personality Science and Individual differences*, 4 (405), 2-13.
- Goldberg, L. R. (1999). A broad-bandwidth, public-domain, personality inventory measuring the lower-level facets of several five-factor models. *Personality psychology*, 7, 1- 28.
- Greene, J. A., & Brown, S. C. (2009). The wisdom development scale: Further validity investigations. *International Aging & Human Development*, 68 (4), 289-320.
- Grossmann, I & Brienza, J. P. (2018). The Strengths of Wisdom Provide Unique Contributions to Improved Leadership, Sustainability, Inequality, Gross National Happiness, and Civic Discourse in the Face of Contemporary World Problems. *Intelligence*, 6, 22, 1-16.
- Grossmann, I., Sahdra, B. K., Ciarrochi, J. (2016). A Heart and A Mind: SelfdistancingFacilitates the AssociationBetween Heart Rate Variability, andWise Reasoning. *Frontiers inBehavioral Neuroscience*, 10 (68), 1-10.
- Hartman, R. O., & Betz, N. E. (2007). The Five-Factor model and career self-efficacy: general and domain-specific relationships. *Career Assessment*, 15 (2), 145-161.
- Karwowski, M. J., Lebuda, L., Wisniewska, E., & Gralewski, J. (2013). Big five personality traits as the predictors of creative self-efficacy and creative personal identity. *Psychologist*, 28, 117-148.
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. (3rd Ed), New York, London, The Guilford Press
- Kunzmann, U., & Baltes, P. B. (2005). The psychology of wisdom: Theoretical and empirical challenges. In R. J. Sternberg & J. Jordan (Eds), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives*, (pp.110 - 135). New York: Cambridge University Press.
- Le, T., & Levenson, M. (2005). Wisdom as self-transcendence: What's love and individualism got to do with it? *Research in Personality*, 39 (4), 443-457.
- Lecturer, S. R. (2009). Five factors of personality and wisdom. *Progressive Education*, 2, 82-86.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1999). A five factor theory of personality. In L. A. Pervin (Ed.), *Handbook of personality: Theory and research* (pp. 139-153). New York: Guilford Press.
- McCullough, M. E. & Willoughby, B. L. (2009). Religion, self–regulation and self control: Associations, explanations and implications. *Psychological Bulliten*, 134 (1), 69-93.
- Nicholls, A. R., Polman, R. C., Levy, A. R., & Borkoles, E. (2010). The mediating role of coping: A cross-sectional analysis of the relationship

- between coping self-efficacy and coping effectiveness among athletes. *Stress Management*, 17(3), 181-192.
- Schmitt, D. P., Allik, J., McCrae, R. R., Benet-Martínez, V., Alcalay, L., & Ault, L. (2007). The geographic distribution of Big Five personality traits: Patterns and profiles of human self description across 56 nations. *Cross-Cultural Psychology*, 38, 173-212.
 - Shahsavarani, A. M.; Hakimi, K. M.; Alirezaloo, N, Sattari, K. (2015). Teaching for wisdom as a strategy to improve quality of life and aggregate social capital. *Journal of Applied Environmental and biological sciences*.
 - Shedlock, D. J. (1998). *Wisdom: assessment, development, and correlates*. Unpublished dissertation. Faculty of the Graduate School of Cornell University.
 - Staudinger, U. M., & Gluck, J. (2011). Intelligence and wisdom. In R. J. Sternberg & S. B. Kaufman (Eds), *The Cambridge handbook of wisdom*, (PP. 827-846). New York: Cambridge University Press.
 - Staudinger, U. M. Dorner, J. Mickler, C. (2005). Wisdom and personality In Sternberg, R. J. Jordan, J. (Eds.), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives* , (pp. 191- 219). New York: Cambridge University Press doi: 10.1017/CBO9780511610486.009.
 - Sternberg, R. Speculations, J. (2018). On the Role of Successful Intelligence in Solving Contemporary World Problems. *Intelligence*, 6, 4, 1-15.
 - Tamara, L. G., & Bennett, E. P. (2015). Big five personality and academic dishonesty: A metaanalytic review. *Personality and Individual Differences*, 72, 5961). New York: Guilford Press.
 - Walsh, R & Reams, J. (2015). Studies of Wisdom: A special issue of integral review. *Integral Review*, 11(2).1-6.
 - Wang, Y., Yao, Y., Li Liu, L., Yang, X., Wu, H., Wang, J & Wang, L. (2013) The mediatin role of self - efficacy in the relationship between Big five personality and depressive symptoms among Chinese unemployed population: a cross-sectional study. *BMC Psychiatry*. Retrieved from [www.biomedcentral . Com/1471-244X/14/61](http://www.biomedcentral.com/1471-244X/14/61).
 - Webster, J. D. (2007). Measuring the character strength of wisdom. *Aging and Human*, 65, 163-183.
 - Webster, J. (2010). Wisdom and positive psychosocial values in young adulthood. *Journal of Adult Development*, 17, 70- 80.
 - Williams, K. M., Orpen, S., Hutchinson, L. R., Walker, L. J., & Zumbo, B. D.(2007). Personality, Empathy, and Moral Development: Examining Ethical Reasoning in Relation to the Big Five and the Dark Triad, University of British Columbia. Adolescence and adulthood: age-graded differences in adolescence and adulthood: age-graded differences in “paths” toward desirable development. *Research on adolescence*, 13, 239-268.
 - Williams, P.B. (2016). The relationship between mental and somatic practices and wisdom. Published: February 18, 2016. [.http://dx.doi.org/10.1371/journal.pone.0149369](http://dx.doi.org/10.1371/journal.pone.0149369)
 - Yamagata, S., Suzuki, A., Ando, J., Ono, Y., Kijima, N., Yoshimura, K., & Jang, K. L.(2006). Is the genetic structure of human personality universal? A

- cross-cultural twin study from North American, Europe, and Asia. *Personality and Social Psychology*, 90, 987-998.
- Yang, S. (2011). Wisdom displayed through leadership: Exploring leadership-related wisdom. *The Leadership Quarterly*, 22, 616-631.